فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۵، صفحات ۶۱-۸۸

مطالعه‌ی جریان‌های مهاجرتی و عوامل مؤثّر بر آن در استان آذربایجان غربی

زینب کاوه فیروز[۱]، نورالدین فراش[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۹

چکیده

موضوع مهاجرت و پیامدهای آن در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از مسائل مهمّ اجتماعی و جمعیّتی در ایران مطرح است. استان آذربایجان غربی در چند دهه‌ی گذشته به دلیل تغییر در شرایط اقتصادی و اجتماعی، ویژگی‌های جغرافیایی و رشد طبیعی جمعیّت، همواره با تغییرات و تحوّلات جمعیّتی همراه بوده است. با توجّه به اهمّیّت و شناخت ویژگی‌های مهاجرت در استان‌های کشور، هدف این تحقیق بررسی روند جریان‌های مهاجرتی استان آذربایجان غربی و شناخت عوامل مؤثّر بر آن در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ است. روش تحقیق در این مطالعه، تحلیل ثانویّه و استفاده از داده‌های سرشماری‌های سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ است. جامعه‌ی آماری نیز شامل کسانی است که در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ به استان آذربایجان غربی وارد و یا از آن خارج شده‌اند. استان آذربایجان غربی در سرشماری سال ۱۳۵۵ مهاجرفرست و خالص مهاجرتی آن ۳۹۳٦- ، در سرشماری سال ۱۳٦۵ و ۱۳۷۵ مهاجرپذیر و خالص مهاجرتی آن به ترتیب ۳۲۹۷+ و ۱٤۹۷+ و در سرشماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نیز خالص مهاجرتی آن به ترتیب ۲٦۵۰۹- و ۱۳۸۸۱- بوده است. در نتیجه، این استان از فاز مهاجرپذیری خارج و به فاز مهاجرفرستی وارد شده است. تهران، آذربایجان شرقی و کردستان نقش مهمّی در روند مهاجرتی آذربایجان غربی ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۵۰ درصد از روند مهاجرتی این استان را به خود اختصاص داده‌اند. آذربایجان غربی کم‌ترین پیوند جمعیّت را با استان‌های جنوب، جنوب شرق و شرق کشور و استان‌های توسعه‌نیافته‌ای مانند کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام و لرستان دارد. ضعف سرمایه‌گذاری دولتی و نیز ضعف فعّالیّت‌های صنعتی در مراکز شهری استان و در نتیجه کمبود فرصت‌های شغلی، نقشی اساسی در مهاجرت افراد ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: آذربایجان غربی، تبادل جمعیّت، مهاجرفرستی، مهاجرپذیری.

[۱] استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی z.kavehfirouz@gmail.com

[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیّت‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده‌ی مسؤول) n_farrash@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مقدّمه و بیان مسأله

مهاجرت یکی از سه عامل اصلی تغییر و تحوّل جمعیّت است و به دلیل ماهیّت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدّت و طولانی، آثار سریع و کوتاه‌مدّتی نیز در تعداد و ساختار جمعیّت برجای گذارد و تعادل و عدم تعادل‌هایی را در جمعیّت تحت‌تأثیر خود به‌وجود آورد. مهاجرت مهم‌ترین عامل خارجی تغییر تعداد و ساخت جمعیّت است. نه تنها حجم و چگونگی مهاجرت‌ها از کشوری به کشور دیگر از اهمّیّت زیادی برخوردار است، حرکات و جابه‌جایی جمعیّت داخل یک کشور نیز می‌تواند دست‌کم در برخی از دوره‌های زمانی، موجب عمران و آبادانی یا رکود و عقب‌ماندگی شود (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۷۷).

بررسی مهاجرت جایگاه مهمّی در مطالعات جمعیّتی دارد؛ زیرا در کنار باروری و مرگ‌ومیر، میزان و رشد جمعیّت و نیز ساختار و ویژگی‌های آن را تغییر می‌دهد. هم‌چنین مهاجرت نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع جمعیّت کشورها و مناطق و نیز رشد نیروی کار در هر منطقه دارد (حسینی،۱۳۹۰: ۱۸۵). بررسی مهاجرت نه تنها در نظر جمعیّت‌شناسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اقتصاددانان، جغرافی‌دانان انسانی، آسیب‌شناسان اجتماعی، روان‌شناسان اجتماعی، برنامه-ریزان و سیاست‌گذاران نیز علاقه‌ی خاصّی به مطالعه‌ی آن دارند. بنابراین از جمله مسائلی که با توجّه به روند رو به رشد شهرنشینی کشور باید مورد توجّه قرار گیرد، شناخت و درک مکانیسم مهاجرت‌هاست (صفایی‌پور، ۱۳۸٦: ۱۷۵).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مهاجرت مهم‌ترین عامل خارجی تغییر تعداد و ساخت جمعیّت است، بنابراین حرکات و جابه‌جایی جمعیّت داخل یک کشور (مهاجرت داخلی) نیز می‌تواند دست‌کم در برخی از دوره‌های زمانی، موجب بروز مسائل اجتماعی جدیدی شود. آمارها نشان می‌دهد که استان آذربایجان غربی در سرشماری‌های اخیر بیش از ٤۲ هزار نفر از جمعیّت خود را به سبب مهاجرت از دست داده است (زالی و عظیمی، ۱۳۹۰).

اگرچه مهاجرت در همه‌ی استان‌ها - چه مهاجرپذیر و چه مهاجرفرست- به چالش جدیدی بدل شده است، درباره‌ی استان آذربایجان غربی باید گفت برخلاف اهمّیّت جغرافیایی این استان در برقراری ارتباط با کشورهای همسایه و وجود فرصت‌هایی مانند مناطق آزاد تجاری، این استان به یک استان مهاجرفرست تبدیل گردیده است. مهاجرفرستی در ساختار سنّی، نسبت جنسی و جمعیّت فعّال، تأثیراتی منفی برجای می‌گذارد. از آن‌جا که تحلیل‌های جمعیّتی، نقش مهمّی در برنامه‌ریزی و روند توسعه‌ی هر کشور و حتّی هر استانی دارند و برنامه‌ریزی و آینده‌نگری بدون

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

تحلیل مسائل جمعیّتی بسیار مشکل و به نوعی غیرممکن است، هدف این تحقیق بررسی روند جریان‌های مهاجرتی استان آذربایجان غربی و شناخت عوامل مؤثّر بر آن است.

مبانی نظری و تجربی پژوهش

در اکثر کشورهای در حال رشد، شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرها یا استان‌های کوچک، بیش‌تر سطوح عالی خدمات اجتماعی و اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند و شهرهای کوچک با ارتباط ضعیف با جوامع پایین‌تر از خود به صورت فضاهای پیرامونی–حاشیه‌ای و وابسته درآمده‌اند (زیاری، ۱۳۸۷: ۱۵). اگرچه مهاجرت ممکن است به دلایل مختلفی انجام پذیرد، امّا شناخت این علل در بین کشورها و حتّی شهرها مستلزم شناخت تفاوت‌هاست (طیبی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱٤٤). با تحقّق یافتن مهاجرت به دلایل مختلف و ورود خانواده‌ها به شهر بزرگ‌تر، مهاجران نخستین تجربه‌های حضور خود در مبدأ را با تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی جستجو خواهند کرد (همان: ۱٤٥).

برخی از محقّقان علوم اجتماعی، نظریّه‌ی راونشتاین[1] را یکی از نخستین نظریّه‌های مهاجرتی به‌شمار می‌آورند. قوانینی را که راونشتاین از آن‌ها بحث کرده، می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. فاصله و مهاجرت: شدّت مهاجرت میان دو نقطه با فاصله‌ی آن دو، رابطه‌ی معکوس دارد و با طولانی‌تر شدن فاصله میان مبدأ و مقصد، گرایشی ضمنی در مهاجران ایجاد می‌شود: الف) استقرار در نقاط شهری به‌ویژه در شهرهای بزرگ؛ ب) مهاجرت به سوی قطب‌های صنعتی و تجاری.

۲. مرحله‌ای بودن مهاجرت: مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و خدماتی انجام می‌گیرد. در نتیجه، نوعی مرحله‌بندی مهاجرت از نقاط کم‌جمعیّت و کم‌تر فعّال به نقاط پرجمعیّت و فعّال‌تر وجود دارد و این جریان تا زمانی که نیروهای جاذبه‌ای در آن وجود داشته باشد، ادامه می‌یابد.

۳. تاب‌ها و بازتاب‌های مهاجرت: اگرچه مهاجرت بیش‌تر از نقاط روستایی به نقاط شهری و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ‌تر انجام می‌شود، جریان وارونه‌ای نیز از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک‌تر و از نقاط شهری به نقاط روستایی وجود دارد. به همین سبب مجموع

[1] Ravenstein

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مهاجرت‌های انجام‌گرفته میان دو نقطه، همواره بیش از موازنه‌ی مهاجرتی (خالص مهاجرت) میان آن دو نقطه است.

٤. ارتباطات و مهاجرت: ارتباطات و توسعه‌ی آن، شناخت مهاجر از محیط پیرامونی خود را افزایش می‌دهد. بنابراین رابطه‌ی مستقیمی میان آن دو ایجاد می‌شود؛ به‌عبارت دیگر هرچه ارتباطات گسترش یابد، مهاجرت نیز رو به افزایش می‌گذارد.

۵. فزونی شمار زنان در مهاجرت با مسافت کوتاه: به‌نظر می‌رسد در میان مهاجران در مسافت کوتاه، زنان برتری داشته باشند.

٦. تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت: اهالی شهرها کم‌تر از اهالی روستا مهاجرت می‌کنند؛ از این رو، در جریان‌های مهاجرت داخلی معمولاً خالص مهاجرتی روستا بیش‌تر از شهر است.

۷. برتری انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت: راونشتاین بدون غفلت از سایر عوامل مؤثّر بر مهاجرت، بر نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرت‌ها تأکید دارد و آن را مهم‌ترین عمل برانگیزاننده‌ی مهاجرت‌ها می‌داند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

اورت لی[1] با بیان این موضوع که قوانین مهاجرت راونشتاین هنوز معتبر بوده و نقطه شروعی برای بسیاری از نظریّه‌های مهاجرت در عصر اوست، کوشیده تعریفی گسترده و عمومی از مهاجرت به‌عنوان یک تغییر دائم یا نیمه‌دائم محلّ سکونت ارائه دهد و عوامل مؤثّر بر مهاجرت را برشمرد. به عقیده‌ی او صرف‌نظر از نزدیکی یا دوری مسافت و سهولت یا صعوبت کار، هر عمل مهاجرت حاوی مبدأ و مقصد و یک سلسله موانع دخالت‌کننده است. وی رویکردی علّت و معلولی به مهاجرت دارد و معتقد است عواملی را که در تصمیم به مهاجرت و فرایند آن تأثیر دارند، می‌توان در چهار عنوان کلّی ذیل دسته‌بندی کرد: ۱. عواملی که با حوزه‌ی مبدأ مهاجرت ارتباط دارند؛ ۲. عواملی که با محلّ مقصد مهاجرت ارتباط دارند؛ ۳. عوامل (موانع) مداخله‌گر (بازدارنده)؛ ٤. عوامل شخصی.

در نظریّه و مدل لی چنین فرض شده است که هریک از مناطق مبدأ و مقصد دارای عوامل مثبتی هستند که افراد را در محل نگه می‌دارند و یا موجب می‌شوند که دیگران به سوی آن جذب شوند. در مقابل، عوامل منفی نیز در هریک از این مناطق وجود دارند که موجب دفع و طرد مردم از آن مناطق هستند. به اعتقاد وی، مهاجرت نوعی گزینش و انتخاب است و شناخت عوامل

[1] S. E. Lee

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

برانگیزاننده در هر دو حوزه‌ی مبدأ و مقصد، نقش مهمّی در تبیین فرایند مهاجرت دارد (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۱).

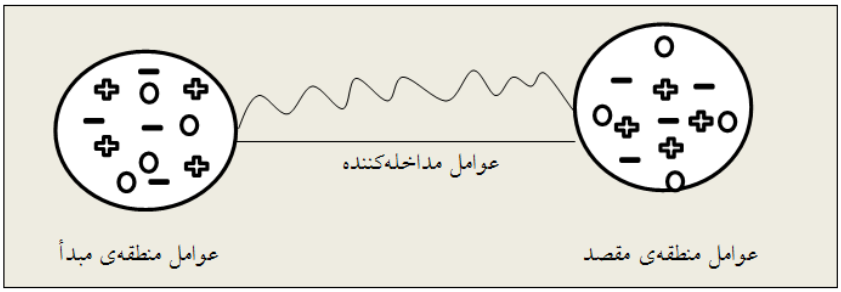
فرض اصلی الگوی تودارو[1] این است که هر مهاجر بالقوّه، بر مبنای هدف افزایش «درآمد انتظاری» تصمیم می‌گیرد که به شهر برود یا خیر. در این تصمیم‌گیری، دو عامل اقتصادی اصولی مؤثّر هستند؛ نخستین عامل به تفاوت واقعی موجود بین دستمزد در شهر و روستا مربوط است که به دلیل مهارت‌های متفاوت و دوره‌های آموزش کارگران به‌وجود آمده است. در واقع، وجود تبعیض بین دستمزدهای پرداخت‌شده به کارگران شهری در مقایسه با دستمزدهای کارگران ماهر روستایی، اصلی همیشگی در تصمیم به مهاجرت تشخیص داده شده است. دومین عنصر اصلی الگوی مزبور و مهم‌ترین قسمت آن که در سایر الگوهای مهاجرت از روستا به شهر وجود ندارد، میزان احتمال موفّقیّت هر مهاجر در دست‌یابی به شغل در شهر است (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۵: ۵۸).

صاحب‌نظران رهیافت معیشتی بر این باورند که در پدیده‌ی مهاجرت، با افرادی روبرو هستیم که مهاجرت را به‌عنوان راهبردی برای بقا و استمرار معیشت خود انتخاب می‌کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۹۲). آرتور لوئیس و فی–رانیس[2] به این دیدگاه معتقد هستند.

پیش از بحث درباره‌ی چگونگی روندهای مهاجرتی استان آذربایجان غربی، باید گفت همان‌گونه که مدل زیر نشان می‌دهد پدیده‌ی مهاجرت، نتیجه و حاصل برخورد عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده‌ی محیطی، فردی و ... است. بر اساس مدل زیر، انسان‌ها در مکان‌های مختلف با عوامل مثبت و منفی (جاذبه و دافعه) روبرو هستند و گاه با ارزیابیِ آن‌ها، محلّ سکونت خود را تغییر می‌دهند؛ زیرا این عوامل به‌طور آشکار و پنهان می‌توانند اصلی‌ترین عامل و انگیزه‌ی مهاجرت باشند.

[1] Todaro
[2] Arthur Lewis & Fy-Ranys

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]



(عوامل مثبت، منفی و خنثی به ترتیب با علائم +، - ، o نشان داده شده‌اند)

شکل شماره‌ی یک- عوامل مبدأ و مقصد و بازدارنده‌های مهاجرت

بیش‌ترین مطالعات انجام‌شده درباره‌ی مهاجرت در ایران به موضوعات مختلف از جمله تحوّلات آماری مربوط می‌شود که بخش قابل توجّهی از آن از دهه‌ی ۱۳٤۰ آغاز شده است. در مجموع در برخی از مطالعات، مهاجرت در ایران در دو دوره‌ی کلّی قبل و بعد از اصلاحات ارضی مورد بررسی قرار گرفته است (طالب، ۱۳٦۸: ۱٤). بسیاری از پژوهش‌ها نیز صرفاً به تحلیل آماری مهاجرت در دوره‌های مختلف آماری پرداخته‌اند (محمودی و همکاران، ۱۳۸۹: ٤۸؛ زنجانی، ۱۳۷۵: ٤۳). در این میان، روند مهاجرپذیری و تحوّلات مهاجرت به استان تهران نیز مورد توجّه بسیاری از بررسی‌ها بوده است (کاظمی‌پور و حاجیان، ۱۳۹۰: ۳۸؛ قاسمی اردهایی و حسینی‌راد، ۱۳۸۷: ۱).

در زمینه‌ی بررسی موضوع مهاجرت استان آذربایجان غربی، مطالعات و تحقیقات خاصّی انجام نشده است؛ هرچند مطالعاتی به صورت پراکنده در برخی سال‌نامه‌های آماری وجود دارد. در این زمینه، فقط زالی و عظیمی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل ابعاد پیوندهای جمعیّتی در استان آذربایجان غربی» نشان دادند که تأثیر میزان فاصله و دوری یا نزدیکی به مرکز استان، عاملی کلیدی و اثرگذار در حجم و کیفیّت مبادله‌ی جمعیّتی بین استان آذربایجان غربی و سایر استان‌هاست. هم‌چنین نتایج آماره‌های ضریب پیرسون و رگرسیون، حاکی از معناداری رابطه‌ی معکوس میان فاصله‌ی دو نقطه و حجم تبادل جمعیّتی بین آن دو نقطه است.

غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹) در تحقیقی عوامل مؤثّر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهر را در روستای صادق‌آباد در استان چهارمحال و بختیاری بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داده که بین مهاجرت و جستجوی کار، دست‌یابی به امنیّت شغلی، دست‌یابی به امکانات تفریحی-ورزشی، دست‌یابی به تسهیلات آموزشی و کثرت امکانات در شهرها، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

محمودی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیستمی جایگاه منطقه‌ی خراسان در نظام مهاجرتی ایران» نشان دادند که در دهه‌ی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ خراسان رضوی با میزان خالص مهاجرت ٦ در هزار، دارای موازنه‌ی مهاجرتی مثبت بوده است، در حالی‌که استان‌های خراسان شمالی و جنوبی به ترتیب با میزان خالص مهاجرت ۳۱- و ١٦- در هزار، دارای موازنه‌ی مهاجرتی منفی بوده‌اند. ضمن آن‌که طی دو دهه‌ی گذشته، مبدأ اصلی مهاجران وارد شده به منطقه‌ی خراسان عمدتاً سیستان و بلوچستان، سمنان، مازندران و تهران بوده است. هم‌چنین استان خراسان رضوی جزء سه مکان اصلی‌ای بوده که مهاجران سایر نقاط کشور همواره ترجیح داده‌اند به آن‌جا مهاجرت کنند. علاوه بر این، طی دو دهه‌ی گذشته، خراسان رضوی بعد از سه استان تهران، خوزستان و اصفهان همواره یکی از مهم‌ترین مناطق پرتماس مهاجرتی کشور بوده است، در حالی‌که استان‌های خراسان شمالی و جنوبی دارای کم‌ترین تماس مهاجرتی با سایر نقاط کشور بوده‌اند.

شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۸۹) نیز عوامل مؤثّر بر مهاجرت روستاییان به شهرها را با تأکید بر شبکه‌ی مهاجرت در دهستان رستم دو بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده که عوامل متعدّد اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در مهاجرت مؤثّر بوده است. در این میان، ۸۰ درصد از مهاجرانِ مورد مطالعه، عوامل اقتصادی از جمله جستجوی شغل و دست‌یابی به درآمد بیش‌تر را مهم‌ترین دلیل مهاجرت ذکر کرده‌اند.

محمودیان و مشفق (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت‌عنوان «تغییرات ساختار مکانی مهاجرت‌های بین منطقه‌ای در ایران طی دوره‌ی ۱۳۵۵-۱۳۸۵» نشان دادند که طی سه دهه‌ی گذشته، میزان ناخالص تجدید مهاجرت و نیز شاخص‌های اثربخشی مهاجرت‌ها در بازتوزیع جمعیّت، کاهش اساسی داشته است.

بر پایه‌ی نتایج تحقیق کوششی (۱۳۸۳) با موضوع «نقش جوانان در جریان‌های مهاجرتی و عرضه‌ی نیروی کار استان تهران»، جریان‌های مهاجرتی استان به‌ویژه جریان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی کاملاً سن و جنس‌گزین بوده است. میزان مهاجرت هر دو جنس در سنین کار به‌طور قابل توجّهی بالا بوده و میزان مهاجرت سنین ۱۵ تا ۲۹ سال به گونه‌ای بوده که مسلّماً عرضه‌ی نیروی کار استان را تحت‌تأثیر قرار داده است.

نتایج پژوهش بیک‌محمدی و مغانی (۱۳۸۲) در ارزیابی روند مهاجرت در استان خوزستان، بیانگر آن است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳٤۵ استان خوزستان مهاجرپذیر بوده و در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

دهه‌ی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ نیز روند مهاجرپذیری خود را ادامه داده است، امّا در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ و با شروع جنگ تحمیلی، روند مهاجرت‌های استان معکوس گردیده و این استان شدیداً مهاجرفرست شده است. در دهه‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نیز استان خوزستان دوباره به یک استان مهاجرپذیر تبدیل شده و خالص مهاجرتی آن ۱۰۲۶۷۲+ است.

بنگ و میترا[1] (۲۰۱۱) به بررسی اثر نهادهای کشور مبدأ بر سطح مهارت مهاجران در آمریکا طی دوره‌ی زمانی ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ پرداخته‌اند. در این تحقیق، از ۱۵ متغیّر نهادی برای بررسی اثر کیفیّت و ثبات نهادها بر سطح مهارت مهاجران و نیز تعداد مهاجران در آمریکا استفاده شده است. نتایج نشان داده که متغیّرهای شکل سرمایه‌گذاری و کیفیّت بوروکراسی در کشورهای مبدأ به‌طور قابل توجّهی بر جریان مهاجرت به آمریکا تأثیر داشته و موجب کاهش این جریان در دوره‌ی مورد مطالعه شده‌اند. علاوه بر این، متغیّرهایی نظیر حقوق مالکیّت و شفّافیّت به‌طور معناداری موجب کاهش تعداد کلّ مهاجران و مهاجرانِ دارای مهارت بالا در آمریکا شده‌اند. نتایج مطالعات هولزر[2] (۲۰۰۹) در کشور لهستان نیز نشان داده که مهاجرت‌ها در این کشور، از فرایند برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی متأثّر بوده است.

آشبی[3] (۲۰۰۷) تأثیر آزادی اقتصادی بر جریان ورود مهاجران به ۴۸ ایالت یا خروج از آن‌ها را بررسی کرده و نشان داده است در ایالاتی که از سطوح آزادی اقتصادی بالایی برخوردارند، تعداد مهاجران ورودی نیز بالاتر از سایر ایالات است؛ زیرا آزادی اقتصادی از طریق تأثیر مستقیم بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه، موجب افزایش جذّابیّت برای مهاجران می‌شود. هم‌چنین بر اساس نتایج این تحقیق، افراد به ایالاتی مهاجرت می‌کنند که دارای پرداخت‌های مالیاتی کم‌تری است و ساختار بازار کار آن‌ها، آزادی بیش‌تری در برابر دخالت‌های دولت دارد.

انتظارخیر[4] (۲۰۰۵) به بررسی درآمد ملّی واقعی، تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها، تعداد نشریّه و روزنامه، تغییر نظام ملّی و جنگ در ایران و میزان بیکاری در کانادا (شرایط بازار کار در کانادا) به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده‌ی مهاجرت نخبگان از ایران به کانادا طی دوره‌ی زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ پرداخته است. بر پایه‌ی نتایج تحقیق، شرایط اقتصادی در ایران و شرایط بازار کار در کانادا نقش به‌سزایی در انگیزه‌ی مهاجرت مهاجران ایرانی به کانادا داشته است.

[1] Bang & mitra
[2] Holzar
[3] Ashby
[4] Entezarkher

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

روش پژوهش

با توجّه به موضوع تحقیق، روش پژوهش در این مطالعه، ترکیبی از روش‌های توصیفی، تاریخی و تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز نیز حاصل سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل کسانی است که در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ به استان آذربایجان غربی وارد و یا از آن خارج شده‌اند. از آن‌جا که در سرشماری‌ها فقط جداول مربوط به افرادِ وارد شده به هر استان وجود دارد، با مراجعه به سرشماری همه‌ی استان‌های ایران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ نیز تمام افرادی که از این استان به استان‌های دیگر وارد شده بودند، به‌عنوان مهاجرانِ خارج‌شده از استان آذربایجان غربی انتخاب و با مهاجرانِ وارد شده به این استان مقایسه شده‌اند. در این مقاله ضمن اشاره به جریان‌های مهاجرت، به فرایند جابه‌جایی جمعیّت در استان آذربایجان غربی پرداخته می‌شود و پیوندهای جمعیّتی این استان با سایر استان‌های کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

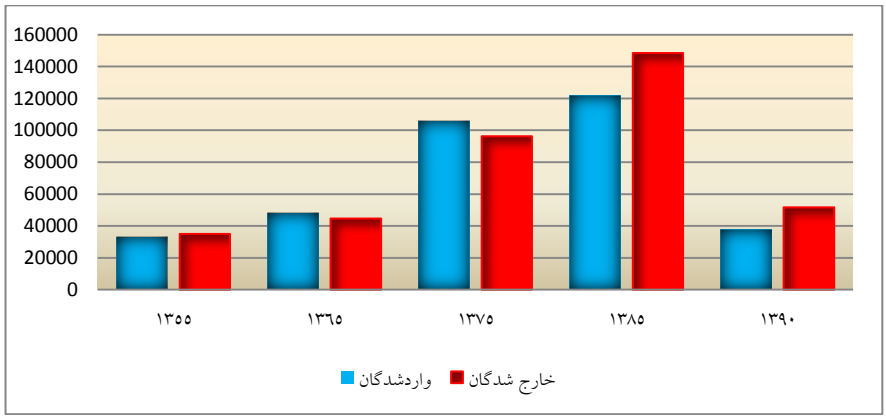
توصیف و تحلیل روند مهاجرت در استان آذربایجان غربی

استان آذربایجان غربی در سرشماری سال ۱۳۵۵ در مقابل ۳۱۰۰۵ نفر مهاجرانِ وارد شده از استان‌های دیگر، تعداد ۳۴۹۴۱ نفر از جمعیّت خود را از دست داده است که این افراد به صورت مهاجرانِ خارج‌شده از این استان به استان‌های دیگر وارد شده‌اند، بنابراین خالص مهاجرتی آن ۳۹۳۶- بوده است. مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۶۵، ۴۷۹۸۷ نفر بوده‌اند. در مقابل، تعداد افراد خارج‌شده از این استان ۴۴۶۹۰ نفر بوده است. در نتیجه، خالص مهاجرتی این استان در سرشماری سال ۱۳۶۵ برابر با ۳۲۹۷+ برآورد شده است. هم‌چنین تعداد افرادی که در سرشماری سال ۱۳۷۵ به این استان وارد شده‌اند، ۹۷۷۵۵ نفر و تعداد افراد خارج‌شده از آن نیز ۹۶۲۵۸ نفر بوده است. بنابراین در سرشماری سال ۱۳۷۵، خالص مهاجرتی استان آذربایجان غربی ۱۴۹۷+ برآورد شده است. بر اساس سرشماری‌های سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ تعداد افرادی که از استان‌های دیگر به این استان وارد شده‌اند، به ترتیب ۱۲۱۸۲۱ و ۳۷۵۸۱ نفر و نیز تعداد افرادی که از این استان به استان‌های دیگر مهاجرت کرده‌اند، به ترتیب ۱۴۸۳۳۰ و ۵۱۷۳۲ نفر بوده است. در نتیجه، بر اساس دو سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، خالص مهاجرتی استان آذربایجان غربی به ترتیب ۲۶۵۰۹- و ۱۳۹۸۱- برآورد شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

جدول شماره‌ی یک- روند مهاجرت در استان آذربایجان غربی بر اساس سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

سرشماری									
۱۳۵۵		۱۳٦۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
وارد شدگان	خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان
۳۱۰۰۵	۳٤۹٤۱	٤۷۹۸۷	٤٤٦۹۰	۹۷۷۵۵	۹٦۲۵۸	۱۲۱۸۲۱	۱٤۸۳۳۰	۳۷۷۵۱	۵۱۷۳۲
خالص مهاجرت									
-۳۹۳٦		۳۲۹۷		۱٤۹۷		-۲٦۵۰۹		-۱۳۹۸۱	



نمودار شماره‌ی یک- مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی و مهاجرانِ خارج‌شده از آن بر اساس سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

جدول شماره‌ی دو- تعداد و درصد وارد شدگان به استان آذربایجان غربی و خارج‌شدگان از آن طی سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

استان	۱۳۵۵		۱۳٦۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان
آذربایجان شرقی	۱۱۱۳۲	۱۰۰۲٤	۲۹	۳٦	۲۹۹۷۷	۳۱۵٦۵	۳٤	۳۱	۳۳	۱۷۸۷۰	۳۵	۲۹
تهران	–	–	–	–	۲۳٤۲۷	۱۸۲۵۲	۱۸	۲٤	۱۹	۹۰۰۲	۱۷	۲٦
اردبیل	–	–	–	–	۳۵۰۹	۲۷٤۸	۳	٤	٤	۲۳۹۵	۵	۲
اصفهان	۱۰۹۰	۱۳۰۳	٤	٤	۳۹۹۹	۲۳۸۲	۲	٤	۲	۱۱۳۹	۲	۱
ایلام	۵۸	۱۷۳	۰	۰	۱۲۸	۱۱۹۵	۱	۰	۱	۱۹۱	۰	۱
بوشهر	۱۰۸	۳۲٦	۰	۰	۳۹۰	٦٦۹	۱	۰	۱	٦۹۳	۱	۰
چهارمحال و بختیاری	۳۹	٦۱	۰	۰	۲۰۲	٤۳۷	۰	۰	۰	۸۰	۰	۰
خراسان	۵۹۳	٦٦۱	۲	۲	٤۳۰٦	۲٦۲۱	۳	٤	۰	۱۰۸	۰	–

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

ادامه جدول شماره‌ی دو- تعداد و درصد وارد شدگان به استان آذربایجان غربی و خارج‌شدگان از آن طی سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

استان	۱۳۵۵				۱۳۶۵				۱۳۷۵				۱۳۸۵				۱۳۹۰			
	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان
خراسان رضوی	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	۲٤۸۵	۳۵۷۲	۲	۲	۵٦۰	۷۹٤	۱	۲
خراسان جنوبی	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	۱۸٦	۱۳۳	۰	۰	۳۰	۸۰	۰	۰
خراسان شمالی	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	۳٦۱	۳۹٦	۰	۰	۷٦	۱٦۷	۰	۰
خوزستان	۹٤۰	۱۱۰۳	۳	۳	۱۳۲۲	۵٤۳	۱	۱	۲۷۲۹	۲۳۰۸	۲	۲	۲۷۲۹	۲۳۰۸	۲	۲	۷۲۸	۵۹۸	۲	۲
زنجان	۲۸۱	۳۵٤	۱	۱	۱۱٤٦	۱۸۷۱	۲/۷۸	٤	۱٦۳۳	۱٦۹٦	۲	۲	۷٦۵۸	۷٦۵۸	۲	۲	۸۹۳	۳۳۰۸	۲۸۵	۲۲۲
سمنان	۲۱۳	۵۲۲	۱	۰	۹۱۱	۱۹۱	۱/۵	۰	۵۰٦	۱	۱	۱	۶٤۲	۶٤۲	۱	۰	۲۲۲	۲۸۵	۱	۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

ادامه جدول شماره‌ی دو- تعداد و درصد وارد شدگان به استان آذربایجان غربی و خارج‌شدگان از آن طی سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

استان	۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	درصد خارج شدگان
سیستان و بلوچستان	۱۰۹	۵۷۹	۰	۲	۶۰۲	۱۰۴۲	۱	۱	۱	۱۵۷	۰	۰
فارس	۶۷۹	۹۴۸	۱	۳	۲۴۶۹	۲۰۹۷	۲	۳	۲	۵۸۹	۱	۱
قم	–	–	–	–	۲۲۳۴	۹۱۹	۱	۲	۲	۶۳۹	۲	۱
قزوین	–	–	–	–	–	–	–	–	۲	۹۱۶	۲	۱
گلستان	–	–	–	–	–	–	–	–	۱	۴۱۹	۱	۲
کردستان	۲۷۴۱	۲۵۳۵	۹	۵	۶۱۴۲	۷۰۲۹	۹	۵	۱۱	۴۵۵۵	۹	۵
کرمان	۱۷۶	۶۰۰	۴۰۰	۲	۵۷۱	۱۰۳۰	۱۱۰۴	۲	۱	۴۸۸	۱	۱
کرمانشاه	۱۷۳۰	۱۰۹۳	۵۸۷	۳/۵	۱۵۲۶	۳۹۸۵	۲۰۹۴	۶	۳	۱۴۲۵	۳	۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

ادامه جدول شماره‌ی دو- تعداد و درصد وارد شدگان به استان آذربایجان غربی و خارج‌شدگان از آن طی سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

استان	۱۳۵۵			۱۳٦۵			۱۳۷۵			۱۳۸۵			۱۳۹۰		
	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان	وارد شدگان	خارج شدگان	درصد وارد شدگان
کهگیلویه و بویر احمد	۱٦	٥٤	۰	۳۰۹	٦٥	۰	۳۹٦	۱۹٤	۰	۲۲۳	۱٦۸	۰	۷۸	٤۸	۰
گیلان	۹۹۸	۸۷۱	۳	۱۲٥٦	٥۸٦	۳/٥	۲۸٦٥	۳۰٦٤	۱	۱٥۹۲	٦۰٤٥	٤	٦۳۸	۱۳۳۹	۲
لرستان	٤۹۰	۳۹۹	۱	۷٥۳	۱۸۰	۱	۷۷٤	۱۲۱۹	۰	۱٤۱۷	۸۸۱	۱	۲۹۰	۱۹۹	۱
مازندران	۱۰۳۰	۹٦٦	۳	۱۰۲۸	٦۳۰	۲/٥	۳٤۸۷	۳٤۸۲	٤	۱۳٦۸	۳۱٦۱	۲	٥۳۱	۷٥٤	۱
مرکزی	۷٤۹۰	۱۱۳٦۳	۲٤	٦٤۸	۳۳۰	۱	۱٥۳٦	۱٤۱۹	۱	۹۱۱	۱۹٥۷	۱	۳٤۸	٦۲۳	۱
هرمزگان	۱۲۸	۳۲۷	۰	٥۹۱	۳۲۳	۱/٤٦	۷۳۸	۸٥٦	۱	۱۲۰٤	۹۲۹	۱	۳۰۷	٤۲٤	۱
همدان	۸۸٥	٦۹۰	۳	۷٤۸	٥٥۳	۱/۷٦	۲۳۲۰	۱۹۰٥	۲	۱۸٥٤	۲٥۰٤	۲	۹۷۲	۹٦٤	۳
یزد	۷۹	٥۹	۰	٦۰۲	۱۳۳	۱/٥	٥۸۱	٥۹٥	۰	٥۹۰	۷٦۲	۰	۱۲٤	۲٥۰	۰
جمع کل	۳۱۰۰٥	۳٤۹٤۱	۱۰۰	٤۷۹۸۷	٤٤٦۹۰	۱۰۰	۹٦٢٥۸	۹۷۷٥٥	۱۰۰	۱۲۱۸۲۱	۱٤۸۳۳۰	۱۰۰	۳۷۷٥۱	۵۱۷۳۲	۱۰۰

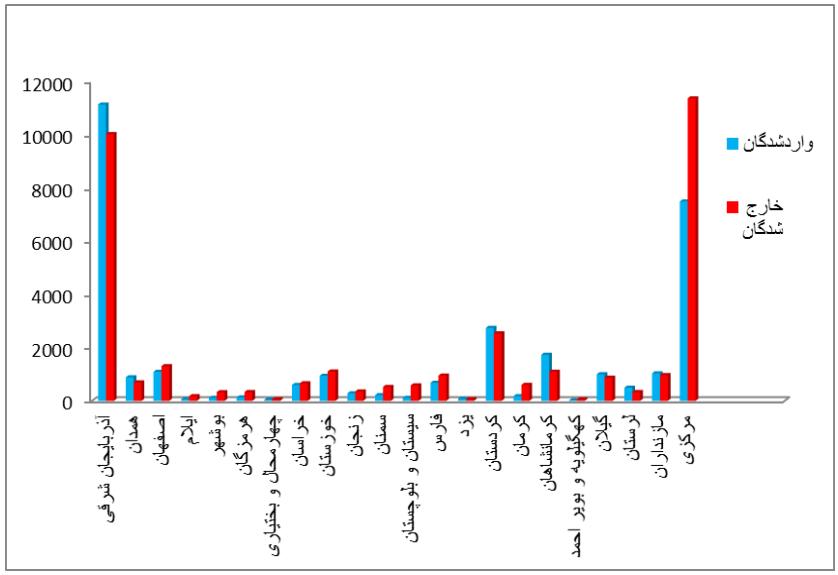
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵ استان آذربایجان غربی با همه‌ی استان‌های کشور ارتباط مهاجرتی داشته و مهاجرانِ وارد شده به این استان، کم‌تر از مهاجران خارج‌شده از آن بوده‌اند. در این میان در روند مهاجرتی استان آذربایجان غربی، سهم برخی از استان‌ها بیش‌تر و سهم برخی نیز کم‌تر بوده است. نکته‌ی قابل تأمّل در نمودار شماره‌ی دو، آن است که استان آذربایجان غربی در زمینه‌ی ارتباط مهاجرتی با استان‌های آذربایجان شرقی، مرکزی و کردستان بسیار چشم‌گیر عمل کرده است؛ به‌گونه‌ای که از این استان‌ها به ترتیب ۱۱۱۳۲، ۷٤۹۰ و ۲۷٤۱ نفر در طول این دهه به استان آذربایجان غربی وارد شده‌اند و در مقابل، ۱۰۰۲٤، ۱۱۳٦٤ و ۲۵۳۵ نفر به ترتیب از این استان به استان‌های آذربایجان شرقی، مرکزی و کردستان مهاجرت کرده‌اند. استان آذربایجان شرقی با ۳٦ درصد و استان مرکزی با ۲٤ درصد در رتبه‌های اوّل و دوم استان‌های مهاجرفرست به استان آذربایجان غربی قرار داشته و در زمینه‌ی پذیرش مهاجر از این استان نیز استان مرکزی با ۳۳ درصد و استان آذربایجان شرقی با ۲۹ درصد، رتبه‌های اوّل و دوم را دارا بوده‌اند. هم‌چنین استان‌های ایلام، چهارمحال و بختیاری، یزد و کهگیلویه و بویر احمد کم‌ترین میزان ارتباط مهاجرتی را با استان آذربایجان غربی داشته‌اند. در این دهه از نظر شکل، همانند اکثر استان‌های ایران، مهاجرت بیش‌تر به صورت مهاجرت از روستا به شهر بوده است. تا سال ۱۳۵۵ این استان موقعیّت اجتماعی و اقتصادی خوبی نداشته و به سبب اقتصاد کشاورزی و نبودِ صنایع قوی، یکی از نواحی مهاجرفرست بوده است. عامل اصلی مهاجرفرستی استان آذربایجان غربی را در این دوره باید انجام اصلاحات ارضی و از میان رفتن نهادهای اصلی اربابی دانست. در واقع، اصلاحات ارضی نخستین گام اساسی در راه پراکنده کردن، وسعت بخشیدن و تعمیق روابط سرمایه‌داری در ایران بود که شرایط را برای مهاجرت فراهم کرد. در این دوران، سیاست‌های اداری–اقتصادی دولت به گسترش سریع شهرهای کوچک و بزرگ و فعّالیّت‌های شهری انجامید. آزاد شدن و جدا شدن نیروی کار از زمین و رواج و بسط بازار مصرف و الگوی جدید مصرف در روستا، در پویش مهاجرت روستاییان به شهرها بسیار تأثیر داشته است. از سوی دیگر، در برنامه‌ریزی‌های عمرانی قبل از انقلاب سهم استان آذربایجان غربی نسبت به سایر استان‌ها، اندک بوده است (ایران‌دوست، ۱۳۹۲: ۱۵).

بنابراین، نبودِ فرصت‌های شغلی در استان آذربایجان غربی و در نتیجه، امید به کسب فرصت‌های شغلی بهتر، کسب فرصت‌های مناسب برای درآمد بیش‌تر، دست‌یابی به شرایط خوب

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

و قابل قبول محیط کار و زندگی و ... منجر به مهاجرت افراد از این استان به شهرهای اطراف و از آن‌جا به استان‌های دیگر شده است (رئیسی، ۱۳۸۵: ۹).



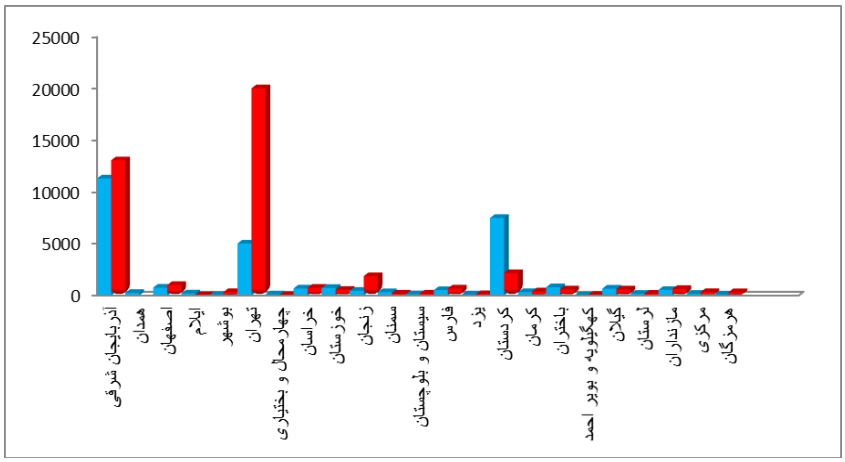
نمودار شماره‌ی دو- مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی و مهاجرانِ خارج‌شده از آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، بیش‌ترین سهم مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان آذربایجان غربی در ارتباط با استان‌های آذربایجان شرقی، تهران و کردستان بوده است. در این دهه با توجّه به جدا شدن تهران به‌عنوان استانی مستقل از استان مرکزی، سهم استان مرکزی در مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان آذربایجان غربی کم‌رنگ‌تر گردیده و استان تهران جایگزین استان مرکزی شده است.

از استان‌های آذربایجان شرقی، تهران و کردستان به ترتیب ۱۳۰۱۵، ۶۰۱۱ و ۸۰۹۴ نفر در طول این دهه به استان آذربایجان غربی وارد شده‌اند و در مقابل، به ترتیب ۱۳۰۷۲، ۲۰۰۳۱ و ۲۱۶۶ نفر از این استان به استان‌های آذربایجان شرقی، مرکزی و کردستان مهاجرت کرده‌اند. استان‌های تهران و آذربایجان شرقی با ۴۵ و ۲۹ درصد بالاترین سهم مهاجرپذیری از این استان را داشته‌اند. علاوه بر این تهران با ۱۴ درصد، کردستان با ۱۸ درصد و آذربایجان شرقی با ۲۷ درصد، از بیش‌ترین سیر مهاجرفرستی به استان آذربایجان غربی برخوردار بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت این استان‌ها در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مهاجرفرستی به استان آذربایجان غربی و مهاجرپذیری از آن، بالاترین سهم را داشته و استان‌های اصفهان، خراسان، زنجان و باختران نیز در رتبه‌های بعدی موازنه‌ی مهاجرتی با استان آذربایجان غربی بوده‌اند. استان‌های یزد، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، سمنان، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان، کم‌ترین سهم را در این موازنه داشته‌اند. در برنامه‌ی عمرانی پنجم توسعه در مقایسه با دهه‌های قبلی، استان آذربایجان غربی تا حدّی مورد توجّه قرار گرفت و با افزایش سهم قابلیّت‌های کشاورزی، مهاجرپذیری این استان بیش‌تر از مهاجرفرستی آن شد. در این زمینه می‌توان به مواردی چون تمرکز جاذبه‌های متعدّد و خدمات فرهنگی، آموزشی و صنعتی اشاره کرد (زالی و عظیمی، ۱۳۹۰؛ نوربخش، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، وقوع جنگ تحمیلی نیز موجب افزایش نقل و انتقالات جمعیّتی به این استان شد.

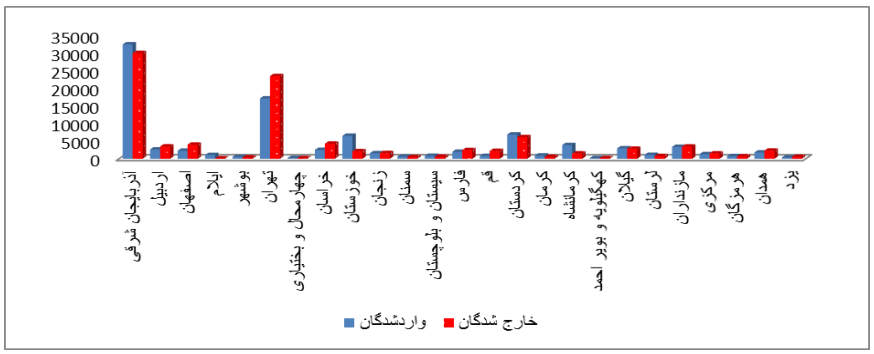


نمودار شماره‌ی سه- مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی و مهاجرانِ خارج‌شده از آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵

داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ همانند داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که در این دهه نیز همانند دهه‌ی قبلی، استان آذربایجان غربی دارای خالص مهاجرتی مثبت بوده است. در این دهه، دو استان تهران و آذربایجان شرقی در زمینه‌ی مهاجرتی از سایر استان‌ها فاصله‌ی بیش‌تری گرفته و بیش‌ترین ارتباط مهاجرتی را با استان آذربایجان غربی داشته‌اند. هم‌چنین در این دوره، میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی این استان نسبت به دهه‌های قبلی رشد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

قابل توجّهی داشته و تعداد مهاجرانِ وارد شده به این استان و مهاجرانِ خارج‌شده از آن، دو برابر دهه‌های پیشین شده است. در مقایسه با دهه‌ی ۱۳٦۵ تعداد مهاجرانِ وارد شده به میزان ٤۹۷٦۸ نفر و تعداد مهاجرانِ خارج‌شده نیز به میزان ۵۱۵٦۸ نفر افزایش داشته است. بنابراین از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، در این دهه استان آذربایجان غربی دارای بیش‌ترین میزان مهاجرپذیری بوده است. استان‌های آذربایجان شرقی، تهران و کردستان به ترتیب با ۳۲٤۰۵، ۱۷۱۰۲ و ٦۸۷۹ نفر بالاترین سهم را در مهاجرپذیری این استان داشته‌اند. نکته‌ی قابل توجّه آن است که در این دهه، استان خوزستان در زمینه‌ی مهاجرت به استان آذربایجان غربی با ٦٦۱۷ نفر، رشد قابل توجّهی داشته است. در زمینه‌ی مهاجرفرستی نیز در این دهه، بیش‌ترین افراد خارج‌شده از استان آذربایجان غربی به استان‌های آذربایجان شرقی، تهران و کردستان مهاجرت کرده‌اند. در این دهه همانند دهه‌ی ۱۳٦۵ میزان مهاجرپذیری این استان بیش‌تر بوده است. به‌ویژه پس از اتمام جنگ تحمیلی به دلیل مرزی بودن و تخریب بیش‌تر مناطق جنوبی این استان، هم‌زمان با مطرح شدن بحث توسعه و بازسازی مناطق تخریب‌شده در جنگ، میزان مهاجرفرستی استان آذربایجان غربی کم‌تر شد و حتّی از استان‌های دیگر نیز نسبت زیادی از مهاجران به این استان وارد شدند. موقعیّت جغرافیایی و توانایی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف استان نیز در جذب مهاجران مؤثّر بوده است (قرخلو، ۱۳۷۸: ۵).



نمودار شماره‌ی چهار- مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی و مهاجرانِ خارج‌شده از آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵

داده‌های آماری نشان می‌دهد که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ استان آذربایجان غربی از مهاجرپذیر بودن خارج شده و به یکی از استان‌های مهاجرفرست تبدیل شده است. سهم عمده‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مهاجرفرستی و مهاجرپذیری استان مربوط به استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، کردستان، کرمانشاه، اردبیل و زنجان بوده است. این استان‌ها به ترتیب ۳٦، ۲۰، ۹، ٦، ۳ و ۲ درصد از سهم کلّ مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین در این دهه میزان مهاجرپذیری آذربایجان غربی از آذربایجان شرقی، بیش‌تر از میزان مهاجرفرستی به این استان بوده است. استان‌های آذربایجان شرقی و تهران به ترتیب با ۲۹ درصد (٤۳٦٦۷ نفر) و ۲٦ درصد (۳۷۹۲۰ نفر) و نیز استان‌های کردستان، زنجان و اردبیل هرکدام با ۵ درصد، بیش‌ترین سهم مهاجرانِ خارج‌شده از آذربایجان غربی را پذیرا شده‌اند. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی و جنوبی، سمنان و چهارمحال و بختیاری نیز کم‌ترین سهم را در موازنه‌ی مهاجرتی این استان داشته‌اند و سهم اکثر این استان‌ها کم‌تر از یک درصد بوده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ استان آذربایجان غربی دارای خالص مهاجرتی منفی و یکی از استان‌های مهاجرفرست بوده است. استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، کردستان، اردبیل و البرز به ترتیب با ۳۳ درصد (۱۲۲۸۲ نفر)، ۱۹ درصد (۷۲۷۹ نفر)، ۱۱ درصد (۳۹۹۱ نفر)، ٤ درصد (۱۵۷۷ نفر) و ۳ درصد (۱۲۲۳ نفر)، دارای بالاترین سهم مهاجرانِ وارد شده به آذربایجان غربی بوده‌اند. هم‌چنین استان‌های آذربایجان شرقی با ۳۵ درصد، تهران با ۱۷ درصد، کردستان با ۹ درصد و البرز و اردبیل با ۵ درصد، در ردیف اوّلین استان‌های مهاجرپذیر از استان آذربایجان غربی قرار داشته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

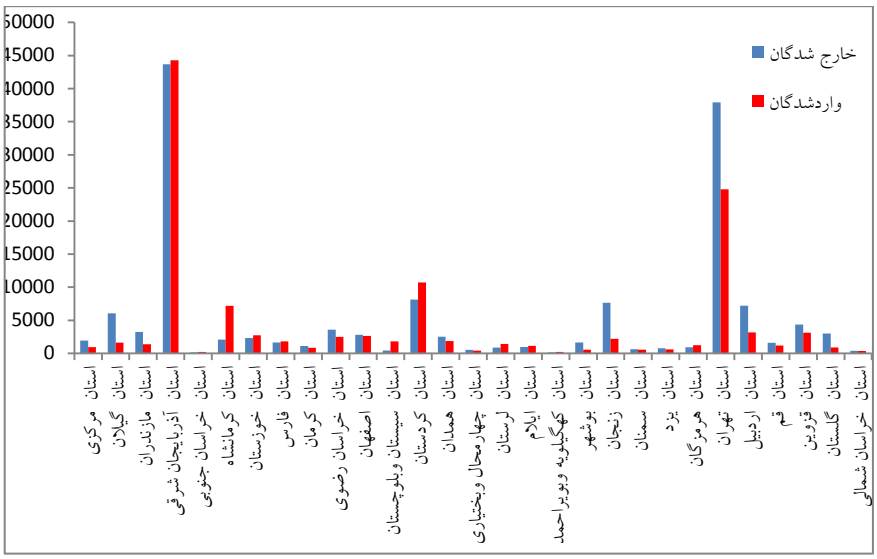


نقشه‌ی شماره‌ی یک- جریان‌های مهاجرتی بین استانیِ آذربایجان غربی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

استان‌های چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد و یزد کم‌ترین واردشدگان به استان آذربایجان غربی و نیز استان‌های یزد، لرستان، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان کم‌ترین سهم را در مهاجرپذیری از این استان داشته‌اند. ضعف سرمایه‌گذاری دولتی، ضعف فعّالیّت‌های صنعتی در مراکز شهری استان و کمبود فرصت‌های شغلی، در مهاجرت از این استان به آذربایجان شرقی، تهران و شهرستان‌های بیرون از این استان در دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بسیار مؤثّر بوده است (بیک‌محمّدی و مختاری ملک‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۲). وجود محلّات هم‌زبان در تهران و دیگر شهرهای ایران، بهترین پایگاه و انگیزه برای مهاجرت به آن مناطق محسوب می‌شود. کاهش آب دریاچه‌ی ارومیه و افزایش میزان خشک‌سالی، بیکاری، درآمد اندک، فقدان انگیزه‌ی پیشرفت، کمبود آب کشاورزی، نگرانی از آینده‌ی فرزندان، شرایط خوب و قابل قبول محیط کار در استان‌های دیگر، نابرابری امکانات و شرایط کار و معیشت نیز از عوامل مؤثّر در مهاجرت از این استان است (بنی‌اسدی و جعفری، ۱۳۹۲). هم‌چنین مشاغل موجود در استان آذربایجان غربی پاسخ‌گوی نیروی

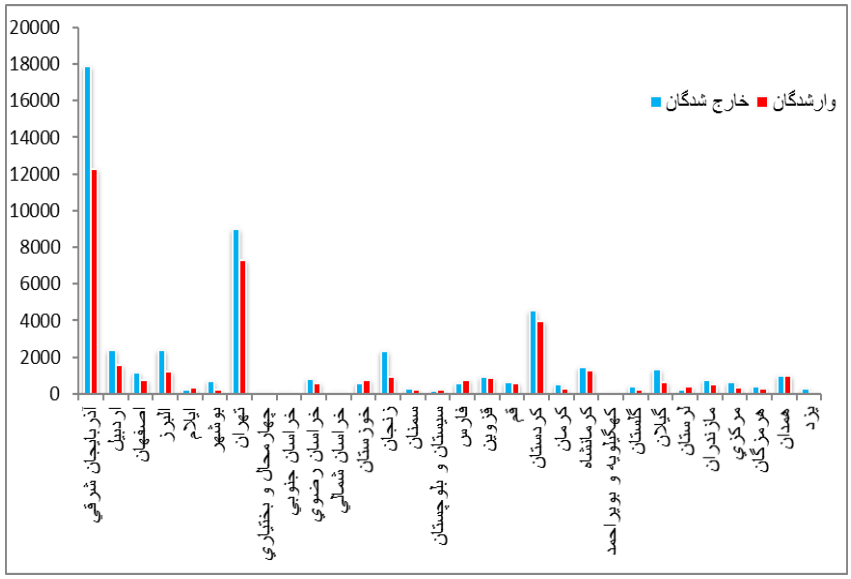
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

انسانی نیست و در نتیجه، عدم هماهنگی بین تقاضای کار و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، یکی دیگر از علل مهاجرت از این استان است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶). مهاجرت به‌مثابه یک فرایند می‌تواند ناشی از تنگناهایی باشد که بخشی از آن به ویژگی‌های وضعیّت محلّی و بخش دیگر نیز به فرصت‌های گوناگون موجود در مراکز شهری بستگی دارد (سجّادی و همکاران،۱۳۹۰: ۷).



نمودار شماره‌ی پنج- مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی و مهاجرانِ خارج‌شده از آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]



نمودار شماره‌ی شش- مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی و مهاجرانِ خارج‌شده از آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استان آذربایجان غربی در زمینه‌ی مهاجرفرستی و مهاجرپذیری همواره دارای ارتباط تنگاتنگی با استان‌های آذربایجان شرقی، تهران و کردستان بوده است. این امر، حاکی از ارتباط قوی میان‌منطقـه‌ای در منطقه‌ی شمال غرب و غرب کشور اسـت. غیر از استان تهران که به دلیل مرکزیّت کشور، بخش عمده‌ی مهاجرت‌ها را بـه خـود اختصاص داده، بقیّه‌ی پیوند جمعیّتی استان آذربایجان غربی با استان‌های هم‌جوار است. آذربایجان شرقی به سبب قرابت‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی شدید، بیش‌ترین پیوند جمعیّتی را با استان آذربایجان غربی دارد. بعد از آن، استان کردستان نیز که دارای پیوندهای عمیق فرهنگی و اجتماعی با این استان است، نقش مهمّی در روند مهاجرتی این استان ایفا می‌کند. این امر با یافته‌های زالی و عظیمی (۱۳۹۰) مطابقت دارد. این استان‌ها بیش از ۵۰ درصد از روند مهاجرتی استان آذربایجان غربی را به خود اختصاص می‌دهند. همه‌ی این استان‌ها در فاصله‌ی نزدیک‌تری با این استان، در مقایسه با دیگر استان‌های کشور قرار دارند. به گفته‌ی راونشتاین، شدّت مهاجرت میان دو نقطه با فاصله‌ی آن دو، رابطه‌ی معکوس دارد و با طولانی‌تر شدن فاصله میان مبدأ و مقصد، گرایش ضمنی در مهاجران ایجاد می‌شود. هم‌چنین

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

در نظریّه و مدل اورت لی چنین فرض شده است که هریک از مناطق مبدأ و مقصد دارای عوامل مثبتی هستند که افراد را در محل نگه می‌دارند و یا موجب جذب دیگران به سوی آن می‌شوند. در مقابل، عوامل منفی نیز در هریک از این مناطق وجود دارند که موجب دفع و طرد مردم از آن مناطق می‌گردند. به اعتقاد وی، مهاجرت نوعی گزینش و انتخاب است و شناخت عوامل برانگیزاننده در هر دو حوزه‌ی مبدأ و مقصد، نقش مهمّی در تبیین فرایند مهاجرت دارد (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۱).

آذربایجان غربی کم‌ترین پیوند جمعیّتی را با استان‌های جنوب، جنوب شرق و شرق کشور و استان‌های توسعه‌نیافته مانند کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام و لرستان دارد؛ بـه‌گونه‌ای که در سال ۱۳۵۵ مجموع مهاجرفرستی استان آذربایجان غربی به استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام و لرستان، ۸ درصد از کلّ مهاجرانِ خارج‌شده از این استان بوده است. در مقابل، فقط ٦ درصد از کلّ مهاجرانِ وارد شده به استان آذربایجان غربی، مربوط به این استان‌ها بوده‌اند. اکثر این استان‌ها از نظر توسعه‌یافتگی در سطح پایین‌تری قرار دارند. در زمینه‌ی مهاجرفرستی استان آذربایجان غربی به این استان‌ها، در سال ۱۳٦۵ و ۱۳۷۵ سهم این استان‌ها در مجموع به ترتیب ۵ درصد و ۹ درصد و در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نیز سهم این استان‌ها همراه با استان‌های خراسان جنوبی و خراسان شمالی به ترتیب ۵ و ۲ درصد بوده است. نکتهٔ قابل توجّه آن است که استان‌هایی که در زمینه‌ی مهاجرفرستی به استان آذربایجان غربی کم‌ترین سهم را دارند، در زمینه‌ی مهاجرپذیری از این استان نیز کم‌ترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

در دهه‌های ۱۳٦۵ و ۱۳۷۵ به‌ویژه بعد از اتمام جنگ تحمیلی، به دلیل مرزی بودن و تخریب بیش‌تر مناطق جنوبی این استان، هم‌زمان با مطرح شدن بحث توسعه و بازسازی مناطق تخریب‌شده در جنگ، میزان مهاجرفرستی استان آذربایجان غربی کم‌تر شد و حتّی از استان‌های دیگر نیز نسبت زیادی از مهاجران به این استان وارد شدند و بدین ترتیب، این استان جزء استان‌های مهاجرپذیر به‌شمار آمد. امّا ضعف سرمایه‌گذاری دولتی و نیز ضعف فعّالیّت‌های صنعتی در مراکز شهری استان و در نتیجه، کمبود فرصت‌های شغلی، در مهاجرت شهروندان استان آذربایجان غربی به آذربایجان شرقی، تهران و شهرستان‌های بیرون از این استان در دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بسیار مؤثّر بوده است. هم‌چنین وجود محلّات هم‌زبان در تهران و دیگر شهرهای ایران،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بهترین پایگاه و انگیزه برای مهاجرت به این مناطق محسوب می‌شود. به نوعی می‌توان گفت شبکه‌ی مهاجرتی یکی از عوامل اثرگذار است. این نتایج با یافته‌های مطالعات غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹)، سجّادی و همکاران (۱۳۹۰)، بیک‌محمّدی و مختاری ملک‌آبادی (۱۳۸۲)، بنگ و میترا (۲۰۱۱)، هولزر (۲۰۰۹) و انتظارخیر (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد.

به نظر تودارو هر مهاجر بالقوّه، بر مبنای هدف افزایش «درآمد انتظاری» تصمیم می‌گیرد که به شهر برود یا خیر. در این تصمیم‌گیری، دو عامل اقتصادی اصولی مؤثّر هستند؛ نخستین عامل به تفاوت واقعی موجود بین دستمزد در شهر و روستا مربوط می‌شود که به دلیل مهارت‌های متفاوت و دوره‌های آموزش کارگران به‌وجود آمده است. در واقع، وجود تبعیض بین دستمزدهای پرداخت‌شده به کارگران شهری و دستمزدهای کارگران ماهر روستایی، اصلی همیشگی در تصمیم به مهاجرت تشخیص داده شده است. دومین عنصر اصلی الگوی مزبور و مهم‌ترین قسمت آن که در سایر الگوهای مهاجرت از روستا به شهر وجود ندارد، میزان احتمال موفّقیّت هر مهاجر در دست‌یابی به شغل در شهر است (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۵: ۵۸). صاحب‌نظران رهیافت معیشتی بر این باورند که در پدیده‌ی مهاجرت، با افرادی روبرو هستیم که مهاجرت را به‌عنوان راهبردی برای بقا و استمرار معیشت خود انتخاب می‌کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۹۲). آرتور لوئیس و فی-رانیس به این دیدگاه معتقد هستند (نصیری، ۱۳۹۰). البتّه باید به عوامل جاذبه در مقصد نیز توجّه داشت. استان تهران به دلیل برخورداری بیش‌تر از شرایط کار به‌ویژه کارهای ساختمانی و خدماتی، افراد بیش‌تری را به خود جذب کرده است. به گفته‌ی راونشتاین، مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و خدماتی انجام می‌گیرد. در نتیجه، نوعی مرحله‌بندی مهاجرت از نقاط کم‌جمعیّت و کم‌تر فعّال به نقاط پرجمعیّت و فعّال‌تر وجود دارد و این جریان تا زمانی که نیروهای جاذبه‌ای در آن وجود داشته باشد، ادامه می‌یابد (زنجانی، ۱۳۸۰).

در مجموع، در استان آذربایجان غربی وضعیّت مهاجرت به تبع شرایط حاکم بر کشور به‌ویژه مهاجرفرستی استان‌های مرزی، از وضعیّت نامطلوبی برخوردار است. شناخت ظرفیّت‌ها و استعدادهای اقتصادی و تولیدی استان برای ایجاد اشتغال جوانان، شناخت ظرفیّت‌های بالقوّه‌ی نقاط روستایی، ایجاد کارخانه‌های سنگ معدنی در اطراف روستاها به دلیل کوهستانی بودن اکثر مناطق استان، سرمایه‌گذاری برای بهبود کیفیّت زندگی مردم استان، ایجاد مناطق آزاد تجاری برای جلوگیری از مهاجرت جوانان و نیز جذب توریست و ارائه‌ی اعتبارات برای جلوگیری از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

خشک‌سالی روزافزون، می‌تواند از بسیاری از جریان‌های مهاجرتی استان بکاهد؛ زیرا بسیاری از افراد به دلیل مسائل و مشکلات اقتصادی و بهبود شرایط زندگی، اقدام به مهاجرت می‌کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

منابع

۱. اوبرای، اس (۱۳۷۰) **مهاجرت، شهرنشینی و توسعه**، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، سازمان بین‌المللی کار.

۲. ایران‌دوست، کیومرث (۱۳۹۲) **سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مهاجرت در حاشیه‌نشینی شهرها**، تهران: سازمان فناوری اطّلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

۳. بنی‌اسدی، محسن و جعفری، سیّد محمّد (۱۳۹۲) «بررسی عوامل اقتصادی مؤثّر بر مهاجرت روستاییان در ایران»، **تحقیقات اقتصاد کشاورزی**، شماره‌ی ۱، صص ۱۸۳-۱۹٦.

٤. بیک‌محمّدی، حسن (۱۳۷۷) «روند مهاجرت در استان اصفهان»، **مجلّه‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، شماره‌ی ۱۵.

۵. بیک‌محمّدی، حسن و مختاری ملک‌آبادی، رضا (۱۳۸۲) «تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان»، **مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه**، دوره‌ی اوّل، شماره‌ی ۲، صص ۲۱-۳٦.

٦. بیک‌محمّدی، حسن و مغانی، بهنام (۱۳۸۲) «روند مهاجرت در استان فارس»، **فصلنامه‌ی جمعیّت**، شماره‌ی ٤۳ و ٤٤.

۷. زالی، نادر و عظیمی، نورالدین (۱۳۹۰) «بررسی و تحلیل ابعاد پیوندهای جمعیّتی در استان آذربایجان غربی»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال سوم، شماره‌ی ۹.

۸. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) **مهاجرت**، تهران: سمت.

۹. ــــــــــــ (۱۳۷۵) «مطالعه‌ی پدیده‌ی عظیم مهاجرت‌ها یک الزام است»، **ماهنامه‌ی گزارش**، شماره‌ی ٦۹.

۱۰. سجّادی، ژیلا؛ ابراهیم‌زاده، عیسی و شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۰) «تحلیلی بر مهاجرت‌های روستایی-شهری با تأکید بر نقش مسافت و دسترسی (مورد: شهرستان ممسنی)»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال دوم، شماره‌ی ۸.

۱۱. صفایی‌پور، مسعود (۱۳۸٦) «نقش واگذاری زمین در مهاجرت‌های درون‌شهری اهواز»، **مجموعه‌مقالات دومین همایش سراسری جغرافیا و قرن ۲۱**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، صص ۱۵۲-۱۷۵.

۱۲. طالب، مهدی (۱۳٦۸) «عوامل مؤثّر در مهاجرت روستایی در ایران»، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲، صص ۱۲-۲۸.

۱۳. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰) «تحلیلی بر عوامل مؤثّر بر مهاجرت‌های روستایی-شهری»، **فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی**، سال شانزدهم، شماره‌ی ۳، صص ٤۱-۵۸.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

۱٤. طیبی‌نیا، مهری‌السادات (۱۳۸۸) «پیامدهای مهاجرت برای خانوارهای مهاجر به شهر تهران»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، دوره‌ی اوّل، شماره‌ی ۱، صص ۱٤۳-۱٦٤.

۱۵. قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۵) «بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۵۹-۱۳۸۳)»، **روستا و توسعه**، ۹ (۱)، صص ۵۱-۸۰.

۱٦. قاسمی اردهایی، علی و حسینی‌راد، علی (۱۳۸۷) **جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان**، پژوهشکده‌ی آمار مرکز آمار ایران.

۱۷. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۵) **تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران**، تهران: وزارت امور اقتصاد و دارایی.

۱۸. کاظمی‌پور، شهلا و حاجیان، امیر (۱۳۹۰) «ایجاد نخستین کلان‌شهر واقعی ایران در مجموعه‌ی شهری تهران: با تأکید بر سهم مهاجرت»، **ماهنامه‌ی جمعیّت**، شماره‌ی ۷۵ و ۷٦.

۱۹. کوششی، مجید (۱۳۸۳) «نقش جوانان در جریان‌های مهاجرتی و عرضه‌ی نیروی کار استان تهران»، **دومین همایش انجمن جمعیّت‌شناسی ایران (مجموعه‌مقالات بررسی مسائل جمعیّتی ایران با تأکید بر جوانان)**، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیّتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۳۳۷-۳۵۷.

۲۰. محمودی، محمّدجواد؛ مشفق، محمود و کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۹) «تحلیل سیستمی جایگاه منطقه‌ی خراسان در نظام مهاجرتی ایران طی دوره‌ی ۱۳۵۵-۱۳۸۵»، **فصلنامه‌ی جمعیّت**، شماره‌ی ۷٤.

۲۱. محمودیان، حسین و مشفق، محمود (۱۳۸۷) «تغییرات ساختار مکانی مهاجرت‌های بین منطقه‌ای در ایران طی دوره‌ی ۱۳۵۵-۱۳۸۵»، **نامه‌ی انجمن جمعیّت‌شناسی ایران**، سال سوم، شماره‌ی ٦، صص ۸۹-۱۱۷.

۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۵۵) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان غربی**.

۲۳. مرکز آمار ایران (۱۳٦۵) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان غربی**.

۲٤. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان غربی**.

۲۵. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان غربی**.

۲٦. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان غربی**.

۲۷. نصیری، اسماعیل (۱۳۹۰) «تحلیلی بر دلایل مهاجرفرستی شهرهای کوچک (مطالعه‌ی موردی: شهر قیدار)»، **مطالعات و پژوهش‌های منطقه‌ای و شهری**، سال سوم، شماره‌ی ۱۱، صص ۱۱۹-۱۳۸.

28. Ashby, N. J (2007) economic freedon and migration flow between U.S .States, **southern economic journal**, 73(3).

29. Bang, J. T. and M. mitra (2011) brain drain and institutions of governane: educational attainment of immigrants to the US1988-1998, **economic systems**, 35(3).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

30. Entezarkher, M (2005) **Why is iran experiencing Migration and brain drain to Canada?**, gospodarskateza, university of waterloo.
31. Ghafari, R. and Torki Harchegani, M (2010) Analysis of effective factors of migration of rural youth to urban arareas (case study: sadiq abad from saman distrect in charmahal bakhtiari province), **Housing and rural environment**, 132: 91-102.
32. Holzar, H (2009) **The migration and social development**, UK, Ld, Oxford.
33. Shams–al-dini, A. and Gorjian, P (2010) Effective factors on migration of villagers to urban arareas, with emphasis on migration network (case study: Rostam no village). **Geogaphical perspective**, 5(11): 75-92.
34. Ziari, K (2008) the operation khoy city in space development in west azarbayajan province, **geography reaserch**, 63: 15-35.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]